

# سواد وقفنامه‌های قاجاری زنجان



اسدالله عبدلی آشتیانی<sup>۱</sup>

## چکیده:

زنجان را طی قرون «دارالسعاده» نامیده‌اند. شهری تاریخی با موقوفات بسیار متنوع و قابل تحقیق که از آن جمله می‌توان به مساجد، مدارس و اماکن عام المنفعه، وقف کتاب، تعزیه داری شهدای کربلا اشاره نمود. این نوشتار، مجموعه سواد دوازده وقفنامه را از اوایل قاجار مورد بازخوانی، مطالعه و معرفی قرار داده که حدوداً یک قرن را شامل می‌شود. این اسناد حاوی اطلاعات ارزشمندی از تاریخ و جغرافیای موقوفات شهری، رجال شناسی، کتابت و مردم شناسی همراه با مستندات تاریخی را در بر می‌گیرد.

## کلید واژه‌ها:

اسناد، موقوفات، زنجان، قاجار، وقفنامه.

**مقدمه:**

کتابچه مجموعه سواد وقفنامه‌های زنجان که در این جا بدان می‌پردازیم، شامل دوازده وقفنامه می‌باشد و همه آن‌ها رونوشت یا سواد از سند اصلی وقفنامه‌ها است که طی دوازده سال (۱۲۰۹-۱۲۸۶ هجری قمری) بازنویسی و در آن ثبت گردیده است. تعداد صفحات سفید این کتابچه می‌رساند که قرار بوده مجموعه‌ای مفصل از وقفنامه‌ها را شامل باشد که به دلایل نامعلوم از تحریر آن منصرف شده‌اند. سرفصل‌های دوازده گانه این وقفنامه‌ها عبارتند از:

۱. وقفنامه مسجد و مدرسه نصرالله خان افشار، ۲. وقفنامه ملایوسف قاریوزآبادی، ۳. وقفنامه‌چکه یک باب اطاق در جنب کاروانسرای حاجی محسن، ۴. وقفنامه قریه قیاس، ۵. وقفنامه پنج باب دکان در میدان زنجان، ۶. وقفنامه ستاره خانم، ۷. وقفنامه کاروانسرای حاجی برات، ۸. وقفنامه کتاب حاج عبدالحسین و ۹ تا ۱۲. چهار وقفنامه آخر مربوط به قریه اردلان زنجان است.

**موقوفه مسجد و مدرسه نصرالله خان:**

مسجد و مدرسه نصرالله خان در شهر تاریخی زنجان در دوره فتحعلی شاه قاجار به سال ۱۲۳۹ هجری قمری در محله‌ای به همین نام در بافت مرکزی شهر توسط نصرالله خان افشار ساخته و طی وقفنامه مفصل و اگذار گردیده است. در قسمتی از همین سند درباره شخص واقف که خود حاکم شهر هم بوده آمده: «نخبة الاعیان و الحکام الفخام نصرالله خان زیده عزه و اقباله که توفیقات ابدیه و تأییدات سرمدیه در جنب دولتخانه خود احداث و بنیاد فرمود بعنوان الله تعالی و حسن توفیقاته و محاسن تأییداته در غایت استحکام و نهایت اهتمام صورت انجام پذیرفته»

**وقفنامه نصرالله خان افشار:**

بر اساس این وقفنامه قسمتی از املاک زراعی دو قریه چراغ حصار و کلیجه

ایجرود و عایدات آسیاب و حمام واقع در دارالسعاده زنجان وقف بر مسجد و مدرسه خود کرده و تولیت موقوفه را به آقا فتح الله که اعلم علمای آنجا بوده، می دهد که وی صاحب اختیار است هرکس را بخواهد به امامت و نماز جماعت منصوب فرماید و از مداخل موقوفات که تفصیل آن آمده به جهت او مقرر دارد و مدرس به جهت تدریس و تعلیم مدرسه در صورتی که خود نیز از آن امتناع فرماید معین و وظیفه نیز به جهت مؤذن و خادم و سالیانه ایشان در مدرسه و مسجد در دست او باشد.

### **املاک وقف نصرالله خان جهت مسجد و مدرسه:**

۱. قریه چراغ حصاری من محال سهروردی<sup>۲</sup> از شش دانگ دو دانگ.
۲. قریه کلیجه سه دانگ و شش دانگ یک طاحونه علیا به جهت مصارف و مخارج مدرسه و مسجد و خرج تعمیر به مقتضای مصلحت و صوابدید.
۳. حمام واقعه در دارالسعاده زنجان از شش دانگ سه دانگ.

### **شرایط وقف واقف:**

۱. در صورت نبودن احتیاج به تعمیر مدرسه «کل مداخل و منافع املاک و طاحونه و حمام را صرف وظیفه امام، مؤذن و خادم و مدرس مدرسه و مباشر دخل و خرج و سایر مباشران و کارکنان که ضرور در کار باشد و وجه گذاران طلاب به اقل ما یقنع برسد.
۲. پل مستحدثه واقف نیز داخل تعمیر است یعنی پلی که در رودخانه دارالسعاده زنجان ساخته هر وقت احتیاج به تعمیر به هم برساند از موقوفات مسجد و مدرسه تعمیر نمایند.

۳. برکه که تحت الارض در جنب مدرسه که آن را «چهل پله» نامند در حالت احتیاج به تعمیر و همچنین خلوتخانه در صورت انهدام و حمام و یا جزو دیگر از

موقوفات که تعمیر آنها لازم باشد.

۴. هر سه منصب: تولیت و امامت و تدریس او اولی است و به آقا فتح الله واگذار گردیده است.

### سید محمد مجتهد زنجانی:

در وقفنامه مسجد و مدرسه نصرالله خان افشار چند تن از علمای بزرگ زنجان آن عصر پای وقفنامه را مهر و شاهد بوده‌اند از جمله آقا سید محمد مجتهد زنجانی با مهر بادامی شکل و سجع مهر: محمد ابن قاسم الحسینی که در معرفی وی آمده است:

سید محمد مجتهد متوفی به سال ۱۲۶۹ هجری قمری در زمان فتحعلی شاه و به دستور عبدالله میرزا دارا حاکم زنجان از قریه سیردان طارم به زنجان آورده شده تا در مسجد جامع شهر ضمن اقامه نماز جعه و جماعت و ترویج دین، حوزه علمیه را نیز دایر نمایند. این مطلب در یکی از تألیفات آن مرحوم موسوم به «انیس الفقها» آورده شده است. آقا سید محمد مجتهد با همراهی حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد در جریان فتنه ملا محمد علی زنجانی شرکت و در انهدام فتنه مزبور اقدام نمودند. از ایشان کتاب‌ها و تألیفاتی بدین شرح برجا مانده و موجود است: ۱. انیس الفقها، ۲. مناسک حج و ۳. رساله عملیه

آرامگاه وی در خیابان نواب صفوی و در حد فاصل بازار پایین و قبرستان پایین قرار دارد. بر روی قبر وی متن زیر به خط ثلث حک شده است:

«قدار تحل الی الدار السرور عالم الاطلاق الشهیر فی آفاق الذی من علمه خشیته التعب بالسیاق السیاق و من حلاوته حلمه جل الاخلاق فی الاشیاق اعلم العلما السید المولی السند المعتمد السید محمد المجتهد طاب ثراه و جعله الجنة و مسکنه و مأوته فی التاسع من عشر شهر جمادی من عشر الشهور التاسع من العشر سابع من الماه الثالث من الف الثاني ۱۲۹۶»<sup>۳</sup>

## آخوند ملاعلی زنجانی:

در سایر وقفنامه‌ها تولیت موقوفات به آخوند ملا علی (زنجانی) و اولاد ذکور او واگذار گردیده. او در سال ۱۲۸۴ هجری قمری کتابخانه مسجد چهل ستون را تأسیس کرد که به نوعی نخستین کتابخانه عمومی شهر نیز به شمار می‌آید. در متن وقفنامه‌چ، وی این گونه معرفی شده است:

«و تولیت املاک مزبوره محدوده را به جناب علامه العلما و المجتهدین رئوس الفضلاء و المحققین قدوة الانام و حجة الاسلام آقای آخوند ملا علی مدظله العالی رئوس الازالی و لأعالی مفوض نمود و بعده اطال الله بقائه ان شاء الله تعالی با اکبر اولاد ذکور شریعت مدار نسلاً بعد نسل و در صورت انقراض حفظهم الله عن الانقطاع با مجتهد جامع الشرایط است و در ضمن العقد شرط گردید مادامی که از اولاد سرکار شریعتمدار طالب علم باشند.»<sup>۴</sup>

قصیده میرزا خرم در انتهای «صورت وقفنامه نصرالله خان» در رسای فوت آخوند ملا علی است که در آن مقام علمی وی با زبان شعر توصیف گردیده است.

## سابقه تاریخی اماکن موقوفه زنجان:

در مجموع وقفنامه‌های بازخوانی شده به اماکن تاریخی مختلف که کارکرد عام المنفعه در آن مشاهده می‌شود و بخش مهمی از هویت تاریخی این شهر را تشکیل می‌دهند تعلق دارد. بدین منظور سیر تاریخی این موقوفات و دوره آن اشاره می‌گردد:

### ۱. مساجد جامع زنجان در عصر قاجار:

«مسجد جامع زنجان: مساجدی که در این شهر صدق جامع بر آنها شود یکی مسجد معتبری است که بانی آن مرحوم عبدالله میرزای دارا بوده است. تاریخ بنای آن ۱۲۳۷ هجری می‌باشد که بعضی موقوفات از قریه و قیصریه و حمام دارد. تولیت

آن الان با محمد حسین میرزای پیشخدمت، ولد مرحوم امیرزاده محسن میرزای امیر آخور است.

مسجد دیگری هست که مرحوم میرزا ابوالقاسم مجتهد سی سال قبل ساخته است. سه طرف این مسجد تمام و یک طرف آن ناتمام است.

مسجد دیگر هست که اهل شهر در هزار و دویست و هشتاد و چهار ساخته‌اند و خرابی چندانی ندارد.

مسجد دیگر مسجد و مدرسه‌ای است که مرحوم نصرالله خان نایب شهر در ۵۶ سال قبل بنا کرده و موقوفاتی دارد.

مسجد دیگری هست معروف به مسجد مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم از ابنیه قدیمه است که ۶۰ سال قبل مرمت شده و حالا باز خیلی خرابی دارد. موقوفات زیادی هم برای این مسجد هست.

مسجد دیگری در هزار و صد و هفتاد و سه (هجری) حاجی پیر ولی نامی بنا نموده و چون ملا محمدعلی بابی معروف آن را تعمیر کرده، حالا مشهور به مسجد ملا محمد علی است. این مسجد خرابی زیادی ندارد. بعضی مساجد دیگر هم هست که در شمار جوامع نیست.»<sup>۵</sup>

## ۲. کاروانسراها:

کاروانسراه‌های کهن دژ، گلشن و سرای ملک از جمله آن‌ها هستند که کاروانسرای گلشن و ملک در سال ۱۳۴۵ هجری قمری بازسازی و مرمت شده‌اند که در داخل بازار زنجان قرار گرفته‌اند. وقفنامه‌های شماره ۱ و ۷، به سایر کاروانسراه‌های تاریخی اشاره دارد.

## ۳. حمام‌ها:

حمام‌ها از جمله امکان وقفی هستند که از جمله آن‌ها:

۱. حمام قیصریه: در بازار قیصریه زنجان قرار دارد و در دوره قاجاریه ساخته شده است.

۲. حمام حاجی داداش: در بازار پایین در بازار میوه فروش ها و در دوره قاجاریه ساخته شده است.

۳. حمام میر بهاء: در راسته بازار پایین قرار دارد و در دوره قاجاریه ساخته شده است. وقفنامه شماره ۱، اشاره به حمام نصرالله خان دارد که از شش دانگ آن سه دانگ وقف بوده است که نام دقیق آن را نمی دانیم.

#### ۴. پل ها:

پل ها هم از جمله اماکن وقفی هستند:

۱. پل میر بهاءالدین زنجان: بر روی رودخانه زنجان رود که در دوره قاجار ساخته شده است.

۲. پل سردار: در جنوب شهر زنجان که در دوره قاجاریه ساخته شده است.

۳. پل حاج سید محمد: در جنوب شرقی زنجان که در دوره قاجاریه ساخته شده است. وقفنامه شماره ۱، اشاره به پلی دارد که نصرالله خان بانی آن بوده که اسم این پل و مشخصات آن در صورت وقفنامه نیامده است.

#### ۵. بازار سنتی زنجان:

«یکی دیگر از آثار تاریخی زنجان مجموعه تاریخی بازار سنتی است که از نظر غنای اقتصادی، فرهنگی و مذهبی یکی از جالب ترین مجموعه های تاریخی - تجاری ایران به شمار می رود. بازار زنجان در قلب بافت قدیمی شهر و در راستای راه های ورودی آن قرار گرفته است و از دو قسمت بازار بالا و بازار پایین تشکیل می شود.

#### ۶. کتابخانه:

وقف کتاب از جمله موقوفات مهم فرهنگی است که در تاریخ زنجان سابقه

دیرین دارد. گزارش کتابخانه‌های معظم در این شهر نشان از فرهنگ غنی و پربار این شهر است. آخوند ملا علی زنجانی در سال ۱۲۸۴ هجری کتابخانه مسجد چهل ستون را تأسیس کرده که به نوعی نخستین کتابخانه عمومی شهر در عصر ناصرالدین شاه بوده است. (وقفنامه شماره ۸) وقفنامه کتب حاج رضا قلی بر قابلین انتفاع از آنها را بیان می‌کند و نشان از اهمیت این فرهنگ در بین واقفین این شهر بوده است.

این نسخه به شماره ۸۶۲۰۹ و فهرست ۹۷۷۱ و شماره قفسه ۹۷۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

## مجموعه وقفنامه‌های قاجاری زنجان

### وقفنامه شماره ۱

[وقفنامه مسجد و مدرسه نصرالله خان در زنجان]

صورت وقفنامه کلیجه و چراغ حساری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله كما هو اهله و كَلِّمًا دَامَ مُلْكُهُ و لَاحِمْدٌ لَاحِدِ الْآلَةِ الْإِلَهِ الْإِمْرُ و الْهُكْمُ الْهُ  
وَاحِدِ الْإِلَهِ الْآ هُوَ عَلِيٌّ عَلَوُهُ و عَمَّ آوَاهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ الْوَدُودُ السَّمِيعُ الصَّمَدُ  
لَا مَدْرَكَ لِسَمْوِهِ و لَا مَدْرَكَ لِعُلُوِّهِ لَوْلَهُ لُهُ و لَا لِهَوٍ و لَا وَهْمٍ و لَا سَهْوٍ مَهْدِ الْمَهَادِ  
سِوَاءِ الطُّودِ و الْوَهَادِ لَهُ الْحَمْدُ مَدَارِ كَلِمَةٍ و دَوَامِ مُلْكِهِ و عِلْمِهِ و السَّلَامُ لَا كَرَمَ رُسُلِهِ  
أَرْسَلَهُ إِذْ لَوْلَا لِحْكَمِهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ و إِذْ لَوْلَا مَعْلُومِهِ لَأَدْرَسَ لَهُ و هُوَ مَدْرَسُ مَدْرَسِ كُلِّ  
الْعُلُومِ مَا سُئِلَ أَحَدًا و كُلِّ الْأَسْرَارِ صَارَلَهُ مَعْلُومًا هُوَ مُحَلِّلُ الْحَلَالِ و مُحَرِّمُ الْحَرَامِ و  
إِلَى الْعُلَمَاءِ الْأَعْلَامِ الْإِدْلَاءُ الْكِرَامِ أَوْلَهُمْ حَامِلِ لَوَاءِ الْحَمْدِ و أَكْمَلَهُمْ عُمَرَا وَإِلَى الْعَصْرِ  
و الْعَهْدِ سَتَائِشِ بِي أَلَيْشِي كِهْ أَهْلِ إِخْلَاصِ بَا خُلُوصِ نَيْتِ و صِفَاءِ طَوْبَتِ أَهْدَاءِ  
بَارْگَاهِ صَمَدِيَّتِ نَمَائِنْدِ و سِپَاسِ بَلِنْدِ اسَاسِي كِهْ أَرِبَابِ إِخْتِصَاصِ دَرِ غَايَتِ خُضُوعِ و

برو لبم اهدار هست از برکت  
کامدعله اصل شکره  
سعدان و شکره

زاد سکنه



زاد سکنه



بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران

بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران

بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران  
بسموت و خلق منیر و نور احسانی  
الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا  
علیه کافران

خشوع مختص درگاه احدیت دانند مخصوص پروردگار احد صمدیست که وقوف واقفان مواقف صوامع عالم ملکوت در بندگی و اطاعت اوست و سجود ساجدان مساجد و معابد اقلیم جبروت بر پیشگاه بارگاه جلال و بزرگواران و مبدعی که ابنیه رفیعه افلاک از چابکدستی معمار قدرت کامله او کمتر نمونه‌ایست.

و عجایبات مختلفه مرکز خاک از ذخایر صنایع بی منتهای حکمت شامله ادادنی مؤنه بانی امرش به اشاره سرانگشت کن طاق مقرنس آسمان معلی را باز نیست «ولقد زینا السماء الدنيا بزینه الكواكب» افراشته و فرش ملّون زمین را با انواع تزیین «و لقد خلقنا الارض و جعلنا لکم فجاءاً سبلاً لعلکم تهتدون» نگاشته و درود نامعدود و سلام و صلوات نا محدود بر مقتدای نبین و امام مرسلین و رحمة للعالمین مصداق کلام صدق انتظام « کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین» آنکه بی مشقّت درس و تعلیم معلّم علوم اوّلین و آخرین و بدون تحمل کلفت تعلّم و تدرّس مُدرّس مدرس طبقه کرویین آمد علّت غائی ایجاد جمیع ممکنات از قبّه افلاک تا خطّه خاک برهان مبین «لولاک لما خلقت الافلاک» مقدّم در تحلی بحلیه وجود موخّر در تجلی نورظهور بعالم شهود منعوث بنعت «انک لعلی خلقٍ عظیم» موصوف بوصف «انک لمن المرسلین علی صراطٍ مستقیم» مژده ده قدوم بهجت لزومش مسیح «بقوله انی مبشر برسول وانی من بعدی اسمہ الاحمد المکرم الاکرام الممجد الامجد النبّی الامّی العربی الهاشمی المصطفی محمد (ص) و بر آل اطهار و اولاد ابرار اخیارش مصادیق کریمه « و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا» مدرّسان مدارس « و علمنا هم من لدنا النجبا النقیبا الاتقیبا الازکیا الاولیا الاوصیا الاصفیا العلما العظما الکرم الفصحا البلغا الرّمثا الامراء الشفعا الشهداء السعداء الفقها الصّلحا الرّمقا الشجعاً الاکفا الحنفا الظرفا العتقا الطلقا الکبراء النّدماء النّظراء الخلفاء الشرفاء العقلاء البدلاء الرّفقاء السفراء الارّباء الاحباء الاجلاء الادلاء الاحلاء الکرام سلاماً دائماً ابداً سرمداً متعالیاً متوالیاً متواتراً متکاثراً متظافراً متضاعفاً الی یوم القیامه» و بعد برارباب فطانت و ذکا و اصحاب کیاست و صفا مخفی نیست که بمفاد نص صریح صحیح



«الدنيا مزرعة الآخرة» هر که در این سرای عاریت همت بر اصدار اعمال شایسته گماشت و پنج روزه زندگی را بکردار نیک مصروف داشت و در این مزرعه هر چه زودتر تخم نیکوئی کاشت و مادام الاختیار بنای رفیعی در نیکنامی افراشت ذخیره آخرت او مهیا شد و مقام او در دار خلد که تغییر و زوالی در آن نیست معین گردید. فطوبی له و حُسن مآب سیما بانیان ابنیه رفیعه ابواب البر و بقاع الخیر که عهدی بعید و آمدی مدید بر صفحه روزگار ناپایدار پایدار و برقرار و بمصدق صحیحه «ثلثه فی قبورهم [حواشی/سجلات]/ (مهر: علی اکبر الحسینی)

و اعمالهم فی دیوانهم» بعد از فوت و پس از موت نیز انافاً فیض آن واصل و لا ینقطع ثمر آن بتجدید متواصل آید خصوصاً بنای مساجد و معابد که نظر بحديث صحیح «من نبی مسجد کمحفص قطاه نبی الله له نبیاً فی الجنة» عوض آن مستحق الوقوع در جنت عدنست «لهم فیها نعیم مقیم» سعادت‌مند آنکه این توفیقات رفیق او گردد و بلندمرتبه کسیکه این سعادت ابدیه را دریابد «وذاک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم» مصداق اینمقال حال فرخ مآل عالی جاه رفیع و منیع جایگاه شوکت و جلالت دستگاه دولت و اقبال همراه فخامت و مناعت اکتسناه مجدت و نجدت پناه ابهت و فتوت آگاه زبده الاقران و الاشباه عمده الخوانین و الاجله العظام قدوة الاعاظم و الاشراف الکرام نخبة الاعیان و الحکام الفخام نصرالله خان زید عزه و اقباله که توفیقات ابدیه و تاییدات سرمدیه شامل حال و کافل احوال او گردیده مسجد و مدرسه در جنب دولتخانه خود احداث و بنیاد فرموده بعون الله تعالی و حسن توفیقاته و محاسن تاییداته در غایت استحکام و نهایت اهتمام صورت انجام و اتمام پذیرفته که فی الواقع بنایی است چون عهد اهل وفا و وفای مستحکم و متین و مانند توافق ارباب اتفاق با اجزاء وارکانی پس موافق ورزین چون کلام فصحا مختصر و ملیح و همچون منظر شهدا دلگشا و صحیح «وقف مؤید» شرعی و حبس مخلد اسلامی نمود «قربه الی الله و نیلاً لمثوباته العظمی و طلباً لمرضاته القصوی» برکافه اهل اسلام از متشبثان باذیال ائمه انام علیهم سلام الله



المهيم السلام «اما المسجد فللمصلين الذينهم في صلواتهم خاشعون و اما المدرسه فلمحصلى العلوم وليتفقها في الدين و لينذرو اقومهم اذا رجعوا اليهم لعلمهم يحذرون» و از اينكه از لوازم است تعيين شخصى امين صالح متورع دانای كامل كه متصدى امور متعلقه بآن و راتق و فاتق و امر و ناهى و متولى تقسيم وظيف و مباشر تحديد اساس و تعمير در حين اندراس باشد و آنكه مصداق عدالت و ماصدق كياست و فطانت بود عاليجناب فضائل و فواضل اكتساب حقايق و دقايق نصاب عوارف و معارف انتساب اخلاق و محاسن آداب سلاله الافاضل و الاطياب زبده المتورعين و قدوة المعتزلين آقا فتح الله، فتح الله عليه ابواب الفوز و الفلاح و بلغه مايشاه. توليت آنرا مفوض و محول نمود من جميع الجهات و من حيث الوجوه بمعظم اليه كه از هر جهت و هر حيثيت مختار و صاحب اختيار باشد يعنى هر كس را قابل و عادل داند و سزاوار امامت و نماز جماعت در صورتيكه معظم اليه را عذرى باشد كه خود بآن نپردازد در مسجد منصوب فرمايد كه به امامت مسلمانان قيام نمايد و بقدريكه صلاح و قابل داند از مداخل موقوفات كه تفصيل آن خواهد آمد بجهت او مقرر دارد و مدرسى بجهت تدريس و تعليم در صورتيكه خود نيز از آن استنكاف فرمايد معين و وظيفه نيز بجهت او و هكذا مؤذن و خادم و ساليانه ايشان و هر حجره را سه نفر طلبه مگر آنكه صلاح در زيادتر يا كمتر داند و ساليانه يا ماهانه يا يوميه ايشان غايمه المراد و نهايه المقصود فى تلك المواد آنكه كل اوامر و نواهي و منع و رجز و اذن و رخصت و ادخال و اخراج و عزل و نصب و حظ و ياس طرا اجمعا از حيثيت مدرسه و مسجد موكول و مرجوع براى زرین و صلاح مستحکم متين معظم اليه ميباشد. دون مايستثنى احد اويقصد اخراج شئى من امره و نهييه و منعه و زجره و ايصاله و امتناعه و غير ذلك مما حرر اولم يحررو زبرام لم يزيرو ايضاً وقف مؤبد و حبس دائم مخلص فرمود «خالصاً لوجهه الكريم و استجلا بالنواله الجسيم» املاك مفصلة مشخصه معينه ضمن را:

قریه: چراغ حساری من محال سهرورد با جميع توابع و لواحق و منضمات من

التلال و الجبال و العیون و الانهار و الأشجار و دهکده و بیوتات و علف زار و غیرها  
از جمله شش دانگ؛ دو دانگ.

**حمام:** واقعه در دارالسعادة زنجان از شش دانگ سه دانگ بعبارت آخری نصف  
دیگراست.

[حواشی / سجلات]

« مخفی نماناد که آقا سید محمد سردابی الاصل املاکیه وقف بوده که عبارت  
باشد از سه دانگ کلیجه و شش دانگ طاحونه علیا در قریه مزبوره آنها را حک  
نموده در وقفنامه و چراغ حصاری عوض او وقف نموده و نوشته چنانکه شهود  
کثیری در خدمت حجة الاسلام والدی العلامة سلمه الله بر این مقاله شهادت دادند  
و در پشت محکوک نوشته حک السک و منی و به اینقدر فهم که صک کتاب  
باصاد است فرق نداره مواظب اینگونه امور عظمیه شده است بلی شخص را خوف  
خدا که نباشد ادعای امامت و نبوت والوهیت نیز میتواند نماید چنانکه چه بسا  
اشخاصیکه نموده اند و بعد از حک سک نوشته «والاصلاح باطالعی» وهکذا تحت  
هر دو کلام را مهر نموده و اغرب در نزد علماء آنستکه تغییر وقف را که صریح آیه  
بر عدم جواز اوست اصلاح نامیده اعوذ بالله من غضب الله حرره حسن ابن علی»  
به جهت وظایف مذکوره در وجه حضرات مسطوره و بمصارف و مخارج  
مدرسه و مسجد و خرج تعمیر بمقتضای مصلحت و صوابدید متولی عزّلیه چنانکه  
سبق ذکر یافت که همچون روح در ملک بدن یا نازل منزله عقل کل که مدبران  
عالم اصغر و اکبراند در صورت عدم استقلال از جزوی و کلی متضمن مفاسد  
عظیمه خواهد بود در صورت اطلاق اختیار اوا بصر است. بصحت و سقم امور و  
قدر قابلیت هرکس باین کیفیت که مادام مسجد و مدرسه را احتیاج بتعمیر نیست.  
کل مداخل و منافع املاک و طاحونه و حمام را صرف وظیفه امام و مؤذن و خادم  
مسجد و مُدرّس مدرسه و مباشر دخل و خرج و سایر مباشران و کارکنان که ضرور  
و در کار باشند و وجه گذران طلاب باقل مایقنع هر قدر بهرکس مصلحت داند

بقدر ضرورتهم و معاش هم علی قدر مراتبهم وزیهم مقدم بر سایر مصارف داشته برساند و از اینکه تشخیص حق التولیه به جهات عدیده از لوازم و تعیین آن با واقف است مقدار و مبلغ مفصله معینه ضمن که عبارتست از عشر محصول و ماحصل و مداخل و منافع کل مفصلات فوق یعنی بعبارت واضحه ده یک جنس و نقد حاصل از املاک موقوفه بامضاء واقف معظم الیه جهة سرکار متولی معین گردید و هرگاه فاضلی نیز بماند بعد از اخراج حق التولیه و ایصال بهمه اینها متولی مختار است که هر ضمیمه به جهة مسجد و مدرسه که صلاح داند بعمل آورد و بمقتضای مصلحت بهریک از طلبه مدرسه و خدام مسجد که خواهد برساند و بعد از آنکه احتیاج به تعمیر افتاد اگر سالیست که معیشت بر مردم فراخ و نرخها ارزانست حصه مداخل موقوفات را به مصرف تعمیر برساند الا حق التولیه خود و وظیفه امام و مدرس اگر غیر متولی باشند و در آن هنگام بر سرکار خود و وظیفه مؤذن و خادم و هرگاه برخلاف ماذکر که العیاذ بالله سالیست که معیشت تنگ و نرخهای گران است. نصف مداخل را بمصرف تعمیر مصروف دارند و نصف دیگر را به حضرات مذکوره و طلبه تقسیم فرماید و پل مستحدثه واقف نیز داخل تعمیر است یعنی پلی که در رودخانه دارالسعاده زنجان ساخته هر وقت احتیاج به تعمیر به هم رساند از موقوفات مسجد و مدرسه تعمیر نمایند فاماً همان قاعده که در تعمیر آنها مقرر شد در اینجا نیز مرعی دارند و هكذا ایضاً برکه که تحت الارض در جنب مدرسه به جهت معبر آب ساخته و آن نیز وقف مسجد است و مدرسه که باصطلاح اتراک چهل پایه نامند در حالت احتیاج به تعمیر و همچنین خلوتخانه در صورت انهدام و کذالک حمام یا جزو دیگر از موقوفات که تعمیر آنها لازم شود و صیغه وقف بر هریک از موقوفات وقوع و جریان یافت و اقباض به متولی معظم الیه گردید و او قبض و ضبط شرعی به عمل آورد و عمل به وقفیت فرموده هریک از موقوف علیهم را خطی که بالفعل می بایست برساند رسانید و کل شرایط صحت و لزوم و ملزومات شرعیه معمول شد «وقفاً خاصاً صحیحاً شرعياً اسلامياً بحیث لایمکن

حجّه را سه نفر خطبه که اگر صلح در زیارت بر یکدیگر داند و سالیانه یا مایه پانزده یا بیست ان غنایه او در ماه یا بیشتر  
 من تکات اموال آنکه کل اموال و ثوابی منسوخ و غیره و اذن در حضرت و داخل حج و عزرا و منسب و حط  
 و پاس نظر اجتماعیت مدرسه مسجد مکتوبه برای زمین و صلح مستحکم متین معظم البیت  
 در آن مائت شش اصداف و اقصی حدی منسوخ و نهد و معهود و ایصاله و متاعه و غیر ذلک تا طرز  
 اولم حج و زبر ارم نیز یوسف ایضا و عقبه و عقل و حس را مخلصه فرود خالصه و الحمد لله العالی  
 فاصبحنا بالیقین بالجنسیم املک مفتقد مشفقت معینة معین را

فد  
 حج و احصای حج  
 حج و احصای حج  
 حج و احصای حج

بجهت وظایف مذکوره در وجه حضرت مسطور و بمصارف و مصالح مدرسه مسجد و غیر مقتضای صلح و بیعت  
 مستول غزطیه چنانکه سبق ذکر یافت که همچون روح در ملک بدن یا نماند منسوخ عقل که مدبران عالم سعادت  
 و اکبر اندر صورت عدم استقلال از جنوری و کسب منسوخ منفاست عظیم خود اید و در صورت اطلاق اختیار  
 او به برکت بصرف و ستم امور و قدر نفایت حکم بیان نفیت که مادام مسجد در راه است حاجت معینت  
 کل مدافع منافع املک و طاحونه و تمام راصرف و وظیفه امام و مؤذنان و خدام مسجد در راه است  
 ذل و خروج و سایر مسائل و کارکنان که مندر در کار باشند و در کمال و کتاب بیان مایه حق در هر کس  
 مسعلی و اند بقدر ضرورت و معایر هم عمل قدر سر بر نام و در تمام بر سایر مصارف داشته و آنجا بیکه شخص  
 بجهت عدیه از لوازم و عملین آن با واقف است مقدار مبلغ مفضلت معینت که غیر از عتق  
 محکوم و حاصل و در احوال مفضلت فوق استی بعبادت و غیره و بجهت و نقد حاصل از املک و موقوفه  
 با سفتا واقف معظم البیت سرکار متول معین کردید هر گاه فاضلی نماند بعد از حج حق التوازی ایصال  
 اینها متول مختار است که غیر متول مسجد مدرسه که صلح و اندام اول آورده بمقتضای مسعلی هر یک از  
 طبقه مدرسه و خدام مسجد که خواهد برساند بعد از آنکه تسلیح معینت افتاد است که معیشت بر هم  
 فزاح و در خرمها از است همه مدافع موقوفات را بمصرف معینت که از حق التوازی خود و وظیفه امام و دیگر  
 که غیر متول باشند در انجام بر سر کار خود و وظیفه مؤذنان و خدام و دیگر که برخلاف ما ذکر که ایضا باز است  
 که معیشت بیاید و غیر متول نیست نصف مدافع را بمصرف معینت صرف دارند و نصف دیگر را  
 بحضرات مذکوره و وظیفه ستم فرماید و در مسجده واقف بر ذل معینت است بجهت آنکه

وصف میراث جاویدان  
 شماره ۸۷ پاییز ۱۳۹۳  
 ۱۴۱

التغیر والتبدل للواقف ولا لاحد غیره عاجلاً ام آجلاً حالاً او استقبالاً و بعد از متولی  
 حرّسه الله مفوض به اورع و اصلح و اتقی از اولاد اوست و هكذا نسلاً بعد نسل  
 و بطناً بعد بطن و در صورت انقراض العیاذ بالله یا عدم عدالت و صلاحیت ایشان  
 متولی راست که در حال حیوة خود شخصی متدین امین عادل صالح را که شایسته  
 و برازنده امرتولیت داند نصب و تعیین نماید که بعد فوته مباشر این امور باشد و  
 هكذا آن شخص نیز این قاعده را مرعی دارد و هكذا هر متولی در هر عهد و اوان و  
 هر عصر و زمان و هریک از متولیها در هر عهد و عصر اگر شایسته هر سه منصب  
 باشد یعنی تولیت و امامت و تدریس او اولی است از غیر در صورتیکه هر سه را  
 مباشر شود سه وظیفه خطّ او باشد و اگر منصب دو وظیفه نیز دو و اگر یک؛ یک  
 مگر در سال تعمیر که صاحب سه منصب و دو منصب به نصف قانع شود خلاصه  
 اذن واقف در هر امری فرع عدالت متولی است که آن اصل است در صورت ملکه  
 راسخه عدالت بهر وجهی از وجوه که تصرّف کند مختار و ماذون است و الاّی  
 بسته تولیت نخواهد بود. «و کذالک الی ان یرث الله الارض و من علیها فمن بدّله  
 بعد ما سمعه فانّما اثمه علی الذین یدلّونه و الله واسع علیهم انّ الینا ایاهم ثم انّ  
 علینا حسابهم اللهم اعلّ لواء دول مؤسس اساس الصوامع و دورّ دوائر اعمار عمّار  
 المدارس ما دار الدّوار و عمر العمّار و ادار الادوار و مدورّ السّماء و حرّکها محرّکها  
 و اصلح ماله و طول عمر عالم العلوم و حصّل اماله و صوارم اعمال المعسور سهّل  
 له و رسوم اکمال الکمال کملّ له و دوام المعمور و اهله السّرور و امرر المدرس و  
 الدّرس و اکرم المؤسس و المؤسس و سلم کلهم صدور الاهوال کلّما طلال حول  
 الحول و الاحوال و له الحمد اولاً و دائماً و سرمداً کل حال و حرّر ذالک فی ۲۳ شهر  
 شعبان المعظم سنه ۱۲۳۹.

[حواشی / سجالات / صفحه اول] - [کتیبه سمت راست]

صورت آنچه آقا سید غفار نوشته

بسم الله العالم و لواقف علی السرائر و لضمائر قدوقع الوقف و الحبس فی العبارة



المزبوره و اطلاق المنفعة مع قاطبة لاحكام و الشرايط المعتبره فى الشرع الا نور فى الصّحة و اللزوم المقرّره و هو كذا لك و انا اقل السّادات من الشاهدين على ذلك. محل مهر وى كه سجع وى: (عبده غفار الموسوى)

- جای سه مهر دیگر که نوشته‌اند:

قد اعترف الواقف وقفه الله تعالى

بخذا فير فيه ما من الاوقاف المسطوره فى هذه الصّكّ عندى

پس مهرى ايست: (لا الله الا الله الملك الحق الميين عبده حسين)

مهر ديگر: (اللهم صل على محمد و آل محمد) - مهرسيم اين است: (عبده

حسين ابن محمد الموسوى)

[كتيبه وسط]

صورت آنچه آقا سيد محمد زنجانى نوشته است:

بسم الله خير الاسماء- الحمد لله الواقف على السرائر و الضمائر و الصلوة على محمد المبعوث على القبائل و العشائر و اله المكرمين المنزهين عن الكبائر و الصغائر و بعد قد حصل الوقوف بخذا فير الاوقاف و شرائطها المقرره فيه المرقومه المختومه بكافه لوازمها فى الصّحة و اللزوم و خلوها من النواقص و النواقض و اقرار الواقف الواقف بماله و ماله بالوقف الموبد و الحيس المخلد حسبما زيره فى تلك الصحيفه الصحيفه الّدى.

سجع مهر وى كه بادامى است: (محمد ابن قاسم الحسينى)

آقا سيد جليل نوشته:

قد اعترف الواقف الموفق بصحه جميع ما ز بر فى الصحيفه الصحيفه الشرعيه، از

اينجا مهر نموده و سجع وى: (عبده الراجى جليل الحسينى)

[كتيبه کنار/ چپ افقى]

آنچه آقا محسن مرحوم نوشته در فوق ورقه اين است:

هو الواقف على كلّ حال

قد جرّت صيغته الوقفيته الصحيحه الشرعيه بالعربيه والفارسيه على الاسلوب  
المقرره و وقوع الوقف من الواقف الموفق مدّله في عمرالسعيد و العيش الرّغيد الى  
يوم الوعيد على الشرائط العديد عندى ما كتب فى ١٢٣٩.  
محل مهر وى كه سجع او اين است: (مهر: افوض امرى الى الله عبده محمد  
محسن)

[حواشى ستون سمت راست سجع مهرهاى:]

- و بعد بسم الله الرّحمن الرّحيم و به نستعين زا واصله الاصيل سيان فى ٤ شهر  
شعبان سنه ١٢٨٩؛ (مهر: ناخوانا)
- زا واصله سيان؛ (مهر: ايها يوسف الصديق)
- زا واصله سيان؛ (مهر: داود ابن اسمعيل ...)
- خيرالحاج حاجى ابوطالب اخ واقف وسجع مهرش: (يا على ابن ابى طالب)
- قد حصل العلم به توجه القطع بتوقيف مدرسه المبارك و جميع الجهات المسطوره  
، خير الحاج حاجى محسن كه سجع مهر مربع: (العبد المذنب محسن)
- حرره اخ وكيل الواقف الشرعى؛ سجع مهرش: (يا عباسعلى)
- عاليحضرت خيرالحاج حاجى محمد ولد مرحوم صفى قلى؛ سجع مهرش:  
(شرف برانبيا دارد محمد ١١٠)
- اقل سادات على ويردى ابن ابراهيم الموسوى؛ سجع مهرش: (عبده الراجى على  
ويردى الموسوى)
- عاليشان عزت و سعادت بنيان عبدالله بيك ابن مرحوم شاه محمد بيك سجع  
مهرش: (يا ابا عبدالله)
- عاليحضرت حاجى على محمد ولد مرحوم شكور سجع مهرش: (بيرو دين نبى  
على محمد)
- عاليحضرت آقا عوضعلى ابن مرحوم حاجى باقر المشهور به آقا داداش؛ سجع  
مهرش: (عبده عيوض على)

- خیرالحاج حاجی فضلعلی سجع مهرش: (افوض امری الی الله عبده فضلعلی)
  - عالیشان حسن بیک مکرری سجع مهرش: (عبده الراجی محمد حسن)
  - حاجی ابوالحسن کاوندی (مهر: یا ابوالحسن)
  - حاجی محمدعلی ابن رضا (مهر: العبد المذنب علی)
- [حواشی / سجلات / صفحه سوم]

صورت آنچه مرحوم آقا محسن در باب تقسیم کلیجه فیما بین نصرالله خان مرحوم واقف و سایر ملاک قریه مزبوره در حاشیه وقفنامه نوشته این است: [طغری است با این عنوان: «هو الله تعالی شأنه العزیز» املاک قریه کلیجه فیما بین ملاک و هم عالیجاه عزت و شوکت دستگاه خان جلیل المرتبه و ایشان نصرالله خان نصره الله فی کل اوان و عالیحضرات رفیعا الدرجات عمدة الحاج حاجی درگاه و حاجی محمد قلی و حاجی مولاقلی مفروض عالیجاه مشارا الیه از نصف موازی دو شعیر کم است و موازی دو حجر طاحونه کائنه در قریه مزبوره مشاع حال تحریر آنها را از این قرار: چون طاحونه سفلی از طاحونه علیا مرغوب بود او را به ایشان واگذار نموده طاحونه سفلی بعلاوه موازی دو شعیر که زیاده از نصف ایشان در میان ملک خان داشته اند قبول نموده به سهام صیغه معاوضه و مبادله صدور یافت فعلی نصف قریه مزبوره و طاحونه علیا مختص عالیجاه مزبور و نصف دیگر طاحونه سفلی مختص ایشان هر نحو اراده نمایند مختارند. تحریراً فی شهر شوال المکرم من شهر ۱۲۳۹.

[حواشی / سجلات]

مهر آقا محسن است، سجعش این است: (و من یتوکل علی الله فهو حسبه عبده محسن) - تحت این کلمه محل مهر حاجی محمد قلی که سجع این است: (عبده محمد قلی) - در تحت این کلمه مهر حاجی درگاه است - محل مهر نصرالله خان که سجع وی چنان است: (افوض امری الی الله عبده نصرالله) - تحت این کلمه محل مهر حاجی مولاقلی که سجع وی: (مولاقلی)



و بعد: بسم الله الرحمن الرحيم نستعين

مخفی نماناد چون مدرسه و مسجد مرحوم نصرالله خان که وقف بود و ورثه مرحوم بقیه سه دانگ کلجه را که وقف او بوده است متصرف شده بودند استرداد شد با ابنیه عادلہ و بی متولی بود لهذا تولیت مسجد و مدرسه و سه دانگ قریه و طاحونه و حمام را واگذار نمودم به نور چشم مکرم شیخ حسن که بحسب الغبطه در آنها تصرف نماید و احدی از سخن او تجاوز ننماید و وکیل مختار در امر وی نمودم انشاءالله با نهایت دقت و احتیاط معمول خواهند داشت فی غره شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۸۹.

## وقفنامه شماره ۲

[سواد وقفنامه ملا یوسف در قارپوزآباد قزوین]

هو الله شانه العزیز

سواد وقفنامه چه یک قطعه باغ منعّب در قارپوزآباد از ملا یوسف که عمل نیز به و فقیه قطعه مزبور مشتمله بر پنجاه بوطه شده است با اولاد آنها ۱۲۰۹.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف علی السرائر و الضمائر از توفیقات خداوندی عالیجناب ملا یوسف ابن مرحوم کربلایی محمد طاهر قارپوزآبادی مؤید و مسدّد بوده وقف موبد شرعی نمود مساحت یک قطعه باغ منعّب واقعه در فسد میانه در قارپوزآباد من قراء قزوین را محدود بحدود اربعه شرقاً باغ ملا بخشعلی و محمد علی - غرباً به باغ قدمعلی - شمالاً باغ اللهوردی - جنوباً زمین بیاض که پنجاه بوطه است باحق السّقایه و منضّمات و لوازمات و ملحقات بحیث لایستنی منها شئی به اولاد ذکور جناب افقه الفقهاء و اورع التقیاء حاوی الفروع و الاصول جامع المنتول و المعقول الوحید فی عصره و لفرید فی دهره سرکار شریعت مدار آخوند ملا علی سلمه الله بشرط اینکه عالم یا طالب علم و درس خواندن و متشرّع باشد هر کدام محصل

حقیقت

سواد و وقف ناچند یک قطعه بر باغ معتمد و زقا پوز ابلا از ملا یوسف که علم از  
 بوقت قطع بزرگتر است بسم الله الرحمن الرحیم بر شایسته شده است  
 الحمد لله الوقف علی التبریر و الضمان از تو فیقات صدانده می هالین بلا یوسف  
 ابن مرحوم که ملا می محمد طبرق زور ابلا می سونید و بسته دواوه وقف بر تبه شرعی نمودن است  
 یک قطعه باغ نسبت واقف در سنه در قاپور ابلا من قراه ذوقین از محمد و دو بجه دواویم  
 باغ بزرگتر محمد مسیح حدیبی حاج الله لکون سید رحیم بیاض  
 که پناه بوط است با حق انصافه و نعمت اول ارباب و مضاف بکشت کبکشت نهانش  
 بود و ذکر جناب فقده لغفقا و اواع انقیاد و دی لغفوع و الاصل جامع لقول المعقول الوحید فی  
 فی عصره و لغفید فی دهر و سر کار زنی در از خود جامع سله بعد بشرط این که عالم با طالب علم در سر  
 خوان و مترجم باشد هر که ام محمد و در سر جوان نباشد خارج از این عمرت است  
 بعد سله بر طبقه اولاد و دو کور طالب علم حدیث جامع نماید و تولیت اورا معوض  
 و مرجوع نمود بر کار زنی در از آنکه مستقیم الیه باشد با ابر اولاد ذکر که عالم با طالب علم  
 باشد و حصیده وقف جاری شده علی بوقت کردید فرزند بر بعد با سده  
 فاما الله مع این بی لونه و کان ذلک فی ثلث عشر شهر ذی قعدة

الحکام ۱۲۷۳

سواد و وقف ناچند یک اوطاق از اقا جفا سقل که آقا سید اجاره نموده و در  
 اول سکنه بدین وجه بسم الله الرحمن الرحیم نموده است بمعاونت ۱۲  
 بعد الحمد و الصلوات چون از نایب است ربای و تو فیقات سبحان  
 رضواننا ان علیه بیان آنه عباسی بن مرحوم برادر کج محمد حسن کباب  
 اوطاق و فود دست شمال عمارت سطره محمد دوه در دین زور که شش است  
 در هر عصر و کله در هر عصر با کله جبار که در هر روز بر کله خود کاره عمر سله  
 وقف شود بر شرع وجه مظنوم ال محمد ابا عبد الله حسن صلوات الله علیه  
 بعد با حق که سطر ایا چون عمارت بر زور به شرفا معتمد سر کار زنی در از آنکه  
 در مجتهدان الوحید و عصره مجتهد العصر و الزمانی اخذ ملا علی سله الله معالی

شماره

و درس خوان نباشد خارج از این عمل است نسلا بعد نسل در هر طبقه اولاد ذکور طالب علم اخذ منافع نماید و تولیت او را مفوض و مرجوع نمود به سرکار شریعتمدار آقای معظم الیه بعد با اکبر اولاد ذکور که عالم یا طالب علم باشد و صیغه وقف جاری شده عمل بوقفیت گردید فمّن بدله ما سعمه فإنما اثمه علی الذین یبدلونہ و کان ذالک فی ثالث عشر شهر ذی قعدہ الحرام سنہ ۱۲۷۴.

### وقفنامه شماره ۳

سواد وقفنامهچه یک باب اطاق از آقا عباسقلی که آقا سید تقی اجاره نموده و در او سکنی بدین وجه نموده است و معمول به آن است [سنه: ۱۲۰۹].

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة چون از تأییدات ربّانی و توفیقات سبحانی رضوان مکان خلد آشیان آقا عباسقلی ابن مرحوم مبرور الحاج محمد حسن یکباب اطاق واقعه در سمت شمالی عمارت مسطوره محدوده در ذیل را از کل شش دانگ مستثنی داشته شمالا حاجی مهدی و آقا خلیل - جنوبا متصل به دکاکین بازار - شرقا کاروانسرای حاجی محسن - غربا خود آقا سید تقی شیروانی الاسم وقف موبد شرعی کرده جهت مظلوم آل محمد اباعبدالله الحسین صلوات الله و سلامه علیه باحق الاستطراق او چون عمارت مزبور شرعا منتقل سرکار شریعتمدار فخرالفرقهاء و المجتهدین الوحید فی عصره مجتهد العصر و الزمانی آخوند ملاعلی سلّمه الله تعالی شده بود از والدۀ مرحومه آقا عباسقلی و آقا مصطفی قلی در حال تحریر شب هشتم شهر رمضان المبارک سنہ ۱۲۷۴ سرکار آقای معظم الیه عمارت مزبوره را بمبايعه شرعيه جزمیه منتقل عالیجناب سلاله السادات العظام آقا میر محمد تقی ابن مرحوم آقا سید حسین نموده از جهت توضیح این ورقه نگارش رفت که دانسته شود.

یک باب اطاق مزبور داخل در مبايعه نیست بجانب آقا سید تقی باجاره شرعيه داده شد الی نود سال هلالی هر سالی در مقابل چهار هزار دینار ۲۸ نخودی و ده عدد



یک تومانی که در تمام نود سال هلالی سی و شش تومان ریال ناصرالدین شاهی ۲۸ نخودی باشد و مال الاجاره را هر سالی باطلاع سرکار شریعتمدار آقای معظم الیه در مصارف مقدره مظلوم آل محمد (ع) مصروف دارد و در قبالة مفرده علی حده در دست جناب آقا سید تقی است اشاره اجمالیه بر استثناء یکباب اطاق وقف شده مع الاشعار بر اینکه تفصیل در ورقة علیحده مزبور است و هی هذه الورقة والسلام خیر ختام فی التاريخ المزبور المقرّر عالیشان سعادت نشان آقا مصطفی قلی هم اقرار بوقفیت یکباب اطاق مزبور و حق الاستطراق او کرده و امضاء و قبول اجاره واقعه را هم کرده حرفی از ایشان باقی نمانده و کان ذالک فی هشتم شهر رمضان سنه ۱۲۷۴.

## وقفنامه شماره ۴

[سواد وقفنامه قریه قیاس از حاجی رضا قلی]

سواد وقفنامه چه یک دانگ از قریه قیاس که منافع نصفی به تعزیه سید الشهداء و نصفی به طلاب علوم دینیه صرف شود از حاجی عبدالحسین وصایه از برادرش حاجی رضا قلی مرحوم که معمول به است؛ تا حال که سنه ۱۲۰۹.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة در حال تحریر که بیست و پنجم شهر ربیع الاول است هزار و دویست و هشتاد هجری است علی هاجر ما آلاف التحية و الثناء سنه ۱۲۸۰ عالیشان زبده المائل و الاقران سنی القدر والشان آقا عبدالحسین خلف رضوان مکان الحاج میرزا وصایه ثابت از جانب برادر مرحوم مبرور خود حاجی رضا قلی را وقف موبد شرعی و حبس مخلد اسلامی نمود مساحت یکدانگ از جمله شش دانگ قریه قیاس را با کل لوازمات و ضمایمات و توابعات من الارض و المائیه و الدیمیة و التلال و الجبال و العیون و الانهار و والد هکده و المرابض و المرابع و المعالف و المزارع المستقله السابقه بای اسم کانت سواء رقم ام لم یرقم بدون الاستثناء و من حیث الحدود بینهما معلوم و مشخص است نصفی به

در عهد او و بعد از آنکه او فقیر بر طبایع علوم و فنون کرده و قولیت او را منحصر در جری  
 کوه نجف شریف است در فقه و غیره علمای آن عصر که از آن زمان و بعد از آن زمان  
 الفقه است به جهت آنکه در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان  
 جناب سید طالب علم در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان  
 که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 شون با علم علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 ابرار کجاست و در این زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 سفره مرحوم سید طالب علم در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 فرزند سید طالب علم در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 سواد و فقه و تاریخ و طب و کمال و اقدار در آن زمان که در آن زمان  
 در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 است که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 سالهاست که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 ما بر آنکه در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 خود را در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 بعد از آنکه در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 توزیع نمود و در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 و در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 متوسل بود و در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 در صورت آنکه در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان  
 شده که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان از آنکه علمای آن زمان که در آن زمان

وصف میراث جاویدان  
 شماره ۸۷ پاییز ۱۳۹۳  
 ۱۵۳

باقی

تعزیه‌داری مظلوم آل عبا و خامس من اهل الکساء جناب سیدالشهداء روحنا فداه و نصفی بطلاب علوم دینی و صیغه وقف بنحو مزبور جاری شده یکدانگ وقف بنحو مزبور جاری شده یکدانگ وقف بر این دو فقره شده نیم دانگ وقف جناب سیدالشهداء روح العالمین له الفداء و نیمدانگ را وقف بر طلاب علوم دینی کرده و تولیت او را مفوض و مرجوع کرد بجناب شریعتمدار قدوة الفقهاء و اجل العلماء و الفضلاء العالم الربانی و الفاضل الصمدانی الفقیه البشیر مجتهد العصر و الزمانی الآخوند ملا علی سلمه الله تعالی مادام گونه حیا ادام الله تعالی بقائه و بعد از آن جناب مسطلاب هرکس را وصی قرار بدهد و وصی خود را ارضیاء در وصیت دیگری قرار فرماید. که وصی بعد از خود وصی تعیین نماید الی انقراض العالم اوصیاء آتیه متولی میباشند خدا نکرده اوصیا منقرض شوند با اعلم علمای بلاد ایران و کربلا و نجف اشرف است خدا نکرده بعد از الانقراض با اعدل اهل زنجان است و عالیشان آقا عبدالحسین این وقف را حسب الوصیه از اخ مرحوم مزبور خود کرده با اذن سرکار شریعت مدار آخوند معظم الیه سلمه الله تعالی چنانکه سایر وصایای مقررۀ مرحوم مسطور را با اذن و اطلاع سرکار ایشان کرده و قفاً صحیحاً شرعاً فمّن بدّله بعد سمعه فانّما اثمه علی الذّین یبدّلونه و کان ذالک فی بیست و پنجم شهر ربیع المولود سنه ۱۲۸۰.

### وقفنامه شماره ۵

[سواد وقفنامه پنج باب دکان در میدان زنجان]

سواد وقفنامه‌چپه پنج باب دکان واقع در میدان جدیدی که در بیرون قلعه زنجان در سمت دروازه تبریز از آقا عبدالخالق خلف صدق مرحوم الحاج نجفعلی که منافع آنها به طالب علم از اولاد حجة الاسلام اعلی الله مقامه برسد و عملی نیز شده تا حال سنه ۱۲۰۹.

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد و الصلوة لبّ مرام و خلصّ كلام از نگارش اینکلمات شرعیه و آرایش اینستور مرضیه آنکه در این وقت توفیق ربّانی و تأیید جناب اقدس سبحانی شامل حال سعادت اشتمال عالیشان زبده الامثال و الاقران آقا عبدالخالق بن مرحمت و رضوان معان حاجی نجفقلی زنجانی گردیده وقف موبد شرعی نمود همگی موازی پنج باب دکان متصرفی خود را که در بیرون قلعه در میدان جدید واقع است بحدود اربعه مفضله شرقیاً ساحت میدان غربیاً خندق متصل بقبرستان جنوباً شارع عام شمالیاً دکان آقا کاظم و زمین بیاض برکافه طلاب علوم دینیّه و ثواب غیر محصور آن را ثلاثاً بر خود و بر والدین خود توزیع نمود و تولیت دکانین مزبوره محدوده را بجناب علامه العلماء و المجتهدین رئیس الفضلاء و المحققین قدوة الانام و حجة الاسلام آقائی آخوند ملاعلی مدظله العالی علی رؤس الازالی و الاعالی مفوض نمود و بعده اطال الله بقائه ان شاء الله تعالی باکبراً و اولاد ذکور شریعت مدار نسلاً بعد نسل و در صورت انقراض حفظهم الله عن الانقطاع با مجتهد جامع الشرائط است و در ضمن العقد شرط گردید مادامیکه از اولاد سرکار شریعت مدار طالب علم باشند منافع دکانین مزبوره.

بأنها برسد و الاً منافع دکانین مسطوره بطلاب برسد و صیغه وقف بقرار مرقوم صدور یافت و قبض و اقباض بعمل آمد که ان شاء الله من بعد را باقتضاء وقف بدون تغییر معمول دارند فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و کان وقوع ذالک فی سابع شهر ربیع الثانی من الشهور المنتظمه هزارو دویست و هشتاد و یک هجری و علی هاجر ما آلاف التحية و السلام وبالهندسه سنه ۱۲۸۱.

مخفی نماند که خرج مصارف لازمه دکانین موقوفه مقدّم بر صرف بطلاب علوم دینیّه است بعد از وضع مخارج تعمیر و سایر لوازم بصرف طلاب بنحوی که تحریر یافته است برسانند حرّری فی التاريخ.

## وقفنامه شماره ۶

[سواد وقفنامهچه ستاره خانم بنت حاجی عسکر زنجانی]

سواد وقفنامهچه دوازده شعیر از سرای مشهدی علی از ستاره خانم که الحال سه شعیر از او معمول به؛ باقی مغضوب است. سنه ۱۲۰۹.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة غرض از تحریر این کلمات شرعیه آیات آنست که خدات آداب ستاره خانم بنت مرحوم حاجی علی عسکر زنجانی وقف موبد و حبس مخلد نمود همگی و تمامی مساحت دوازده شعیر سرای از جمله ششش دانگ یکباب سرای مشهدی علی را با کافه توابع و لواحق و ضمایم من البنیان و الاعیان و الحجرات و لدروب والشابییک و الاخشاب و البئر مطرح التتج و مجری المیزآب و من الحقوق الداخلیه و الخارجیه بحیث لایستثنی شیء منها سواء ذکرام لم یذکر و سمی ام لم یسم برکافه مؤمنین مادامیکه صیغه مزبوره حیات دارد بعد وفاتها در تعزیه جناب سیدالشهداء خامس آل عباسبط محمد المصطفی و نورعین علی المرتضی و نور حدیقه فاطمه الزهراء مولانا و مولی الکوین ابی عبدالله الحسین علیه السلام منافع این مساحت صرف و خرج شود الی آن یرث الله الارض و تفویض نمود تولیت مساحت مزبوره را بغیر سرکار شریعت مدار فخر المحققین و عمده المدققین وزبده المجتهدین العالم الربانی و الفاضل الصمدانی قبله الانام و حجة الاسلام آخوند ملاءلی سلمه الله تعالی و بعد از ایشان به اکبر اولاد ذکور ایشان و همچنین طبقه بعد از طبقه مادامیکه متعاقب هم بوجود بیایند و علی التقدیر الانقراض پس با مجتهد جامع الشرایط است تا اینکه خداوند خود زمین را ارث ببرد و ثواب وقف را سوای زوج خود کربلایی عبدالجبار و پسرانش یعقوب و اسماعیل و خودش بجبهه امتثال امر حضرت الدهر گاه خرجی ضرور شود از برای همین سرای از منافع خودش خرج نمایند بخودش و دیگر ستاره خانم مزبوره عالمه و عابده مصالحه صحیحه شرعیه نمود با سرکار شریعت مدار

با نهار بر سه والا مانع و کاین سطره بطاب بر سه و صیغه و فقه تفرار مرقوم صادر  
 یافت و قبض و قباض بعد از آن است و هر چه بود با قبض و قبض بدون تغییر معمول دارند  
 فسخ به بعد ماسد فائده علی الدین است و لکن و قوی ذلت فی سابع شرح  
 آن فی شرح المشقه هر که در ولایت و شتاد و بیت بجز روی با جرایم فسخ و با هم در آن  
 مضمون که در صرافان در کاین موقوفه مقدم بر حرف و طباب علوم در بیت بعد از آن است  
 غیر سید اول از هر صفت و حقوقی که در شرح یافته است برسانند جز در حق التامین سواد و قضا و حقوق در آن  
 غیر از آن است که در حق التامین نه از حق التامین تمام که در حال شرح از آن موقوفه است  
 بعد از آن اصلن <sup>شکلا</sup> غرض از تخریر این کلمات شرحی است که در کتب  
 ادب ستاره خانم است مرقوم خارج عن ذکر آنجا و دفع بود و جبر محله موهو  
 است که در مرقوم از دهنه برای از جبر است که یکبار است که در شرح  
 با کافه ذایع و لواحق ضایع المبیان و اعیان و اجزای و له و در باب است با کافه  
 و لغت ب و لبر و طرح اشباع و مقرر است این است مع الحقوق که علیه و مخارج  
 بحث استیثنا سنا سواد ذکر ام لم یذکر و سرام لم یسم با کافه مرقوم  
 با ای که ضمیمه هر روز حیات دارد و در آن تبار در تبار جناب سید شمس الدین  
 عباسی صلی الله علیه و آله و سلم علی المرصع و نور صدقه فظ الزهراء و سواد و سواد  
 این عبد الحسین علیه السلام مانع این است صرف و خرج بود الا این است  
 از اراض و تفویض نمود است ماحت هر روز با لبر سر که در تبار مرقوم  
 و عمده با یقین در بدنه و لجهت المالم الزمان و انفاضه از قبضه لایام و جبهه است  
 الا خیر علی سواد نه نال و لجهت این با کرا و لا در کور این و یحین طبقه بعد از طبقه  
 با ای که شرح سواد بود و بیانه و یقین بر انقضای این با جبهه جامع است  
 تا ای که خداوند خود زین کسارت بر دو ثواب و فسخ که در عید بجز  
 و هر آنکه بعد از سواد و خود شش بجهت است از حضرت لجهت که در شرح مرقوم  
 بهین سواد مانع خود شش خرج نایب خود که در ستاره خانم مرقوم و عالمه و عبادت  
 صلاط صحیح شرعی بود با کرا در مرقوم لایام و جبهه لایام مرقوم در نوق جمیع با جبهه  
 بحث این است و علاقه در تبار سواد لکن قدر است مرقوم این مرقوم و مرقوم در باب

وصف میراث جاویدان  
 شماره ۸۷ پاییز ۱۳۹۳

قبلة الانام و حجة الاسلام مزبور در فوق جمیع مایملک خود را بحیث لم یبق. لها حق و علاقه در مقابل مبلغ یک تومان نقد ریال ناصرالدین شاهی وزن ۲۶ نخودی رواج هزار دینار و سرکار حجة الاسلام در ضمن عقد لازم خارج بر ذمه خود دارد و آورد یکباب عمارت اندرونی و بیرونی که از مصالحه مزبور بجناب ایشان در جزء همین مصالحه انتقال یافت بود آنها را بعد از وفات ستاره خانم فروخته و از ثمن آنها از یک نفر آدم معتبر یعنی عادل حج بلد گرفته از برای کربلایی عبدالجبار مرحوم آن یکنفر نائب از دارالسعادة زنجان بنیابت مشارالیه مزبور رفته اعمال حج را بعمل بیاورد و مابقی ثمن عمارتها را حجة الاسلام بدهد از برای صیغه مزبوره مرقومه استیجار صوم و صلوة نماید و ما بقی مایملک را از نقود و از ظروف و فروش و از رخوت و زینت آلات بحیثیکه هیچ چیز استثناء نشود و مال قبلة الانام است و لکن مادام حیوة ستاره خانم مسطوره مخلفات و اثاث البیت و عمارتها در تصرف مشارالیها بایند باشد از منافع آنها منتفع شود بعد از وفات جمیع مایملک ویرا که منتقل بحجة الاسلام شده است. باید جناب ایشان دام ظلّه العالی ضبط و تصرف مالکانه نمایند صیغتان مزبورتان صدور یافت مساحت مزبوره قبض و تصرف شدوکان ذالک فی نهم شهر رجب المرجب من شهور سنه هزار و دویست و هشتاد و شش هجری علی هاجرها آلاف التحتیه و الثناء و بالهندسه سنه ۱۲۸۶.

## وقفنامه شماره ۷

[سواد وقفنامهچه کاروانسرای حاجی برات و عمارت و باغ]

سواد وریقه که ملا نورالدین مرحوم در باب وقفیت یک دانگ از کاروانسرای حاجی برات و سه دانگ از دو باب دکان جنین وی و یک باب عمارت و یک قطعه باغ منعب و یک قطعه باغ مشجر که در ید اولاد مشهدی حسن مغصوب است. سنه ۱۲۰۹.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مخفی نماند که مرحومان حاجی مولاقلی و حاجی تقی و حاجی زین العابدین اولاد حاجی نور محمد مرحوم زنجانی در املاک مفصل بالسویه شریک بوده‌اند پس یکدانگ کاروانسرا دو دانگ؛ دو دانگ:

کاروانسراء سه دانگ، دکان طرف شمالی کاروانسراء سه دانگ - دکان طرف غربی کاروانسراء سه دانگ - عمارت یکباب - باغ عنب یک قطعه - باغ مشجریکقطعه. عمارت چهار دانگ باغ مال حاجی تقی میباشد و حاجی تقی مرحوم در اسلامبول وفات کرده است و بعد از وفاتش در میان خلق چنین شایع شده بود که جمیع املاکش را وقف کرده از برای فقرا و برادرش حاجی مولاقلی را در این خصوص وصی کرده و تولیت وقف را نیز باو واگذار کرده است و طبق این یک طغری وصیت نامچه هم بوده است لهذا حاجی مولاقلی باین وصیت مادام الحیوة عمل کرده منافع املاک را بفقرا میداد و سایر وراث حاجی تقی نیز معترض او نشده بودند و حاجی مولاقلی مرحوم در وقت وفات خود برادر خود حاجی زین العابدین را که پدر حقیر است.

در این خصوص وصی کرده بود و حاجی زین العابدین مرحوم نیز در مدت عمر به این طریق رفتار کرده و در وقت وفات بنده حقیر نورالدین را وصی کرده بود چونکه آنوقت صغیر بوده ام لهذا ملاً محمد علی را منضم کرده بود تا بلوغ بنده امور با او باشد و بعد از بلوغ تفویض بنده نماید و چونکه در بعضی این از منہ حقیر بوجود نیامده و در [... یک کلمه ناخوانا] طفل بوده که قابل ادراک این مرحله‌ها نبوده‌ام پس بعد از بلوغ از مردم تجسس کردم از گفته خلق و کثرت نوشته جات و قراین حالیه استفاضه مفید ظنّ به اصل وقف و عمل کردن حاجی مولاقلی بوقف حاصل شد چونکه بنای علما خصوصاً مجتهدی که بنده مقلد او بودم به این بود که در وقف استفاضه کافی است لهذا بنده اقدام کردم بعمل وصیت کردن و لکن بعمل کردن حاجی زین العابدین بوقف اجمالاً و وصی کردن بنده علم قطعی



حاصل شده بود و ملامحمد علی که منضم به وصیت بود دو دانگ عمارت حاجی تقی را با مشهدی آقابابا در مقابل دو دانگ کاروانسرا معاوضه کرده بود و دو دانگ باغ مشجره را با مشهدی حسن در مقابل یک دانگ دکان معاوضه کرده بود چونکه معاوضه وقف جایز نبود لهذا بنده عمارت را از مشهدی آقابابا استرداد نمودم و در این خصوص یک حکمی از جناب میرزا عبدالواسع گرفته‌ام لکن با مشهدی حسن حرف زدن را مصلحت ندانستم منافع یکدانگ دکان او را در عوض منافع دو دانگ باغ در این مدت تقاص می‌کنم هرگاه بعد از این مصلحت باشد گفتگو می‌کنم پس سه دانگ دکان که در دست بنده است یکدانگ مال ورثه مشهدی حسن است و یک قطعه باغ که در ورثه مشهدی حسن است دو دانگش وقف فقراء است و از یک جهت کار بنده قدری مشکل بود شد که مشهور میان علماء دین است که هرگاه موصی به وصی اذن در ایصاء ندهد وصی نمیتواند وصی دیگر بگیرد بلکه امرش مفوض به حاکم شرع است لکن وصی من لاوصی له و اذن دادن حاجی تقی به حاجی مولاقلی در وصی کردن حاجی زین العابدین یا غیر او معلوم نبود اگرچه قاعده مشهوره تقاضا می‌کند صحت جمیع این سه وصیت را که شده است لکن حقیر احتیاطاً از مجتهد جامع الشرايط اذن نیز گرفتم در تصرف املاک مزبوره و بنده خودم چونکه فقیر بودم از منافع املاک مزبوره خودم نیز صرف می‌کنم اگرچه عبارت وصیت‌نامه حاجی زین العابدین این طور بود که منافع املاک را وصی به فقرا بدهد و مقتضای این عبارت این است که خود وصی خارج باشد لکن بنده از قراین چنین فهمیدم که منظور او دادن غیر نیست بلکه صرف فقرا است کائناً من کان پس املاک مزبوره نه مال من است و نه دخلی به ورثه دارد و هرکس که خواهد از بابت ارث از او چیزی ببرد غاصب و ظالم خواهد بود.

و این املاک را به ید بعد از وفات تفویض کردم به مجتهد الزمان آخوند ملاعلی - سلمه الله التعالی - هر طور صلاح بداند عمل نماید و هرگاه به شخص دیگر تفویض نماید ماذون است و لکن عالیحضرت کربلایی جبار و مشهدی نجفعلی را

درین اماکن بسیار از ذرات تقویض کردیم بحمد اله ان اخوند ملا علی سید ارغوان  
 بر طریقه صلاح بیاند عمل نماید و هرگاه شخصی غیر تقویض نماید ما نحن این دفعه بصورت  
 که جای جبار و سستی کف و کسب کوم که بعد از زمین بیست نام بین اماکن کسب  
 و نشانی که با چشم خوار مجتهد الزمان اخوند جامع سید آینه تار و هم که جای مست  
 نمایند و بر جای خیار آنچه که سپرده ام از زمانه در پیشتر خرج مینماید و استقام  
 عیان این است که سید سیده الفایه اقدر لطیف است که الدین قدر سفاضة  
 در خصوص وصف کوشتم زین سبب است که با خود و آقا محمد باقر ن عمر و شف کرده

لقد زلنا محمول بر صحت است

سواد و قنایچه کتب موقوفه فیض حاج احمد علی و مسایه از ارجح صفای که از  
 نکت وی جمیع منوره بز قایلین آتفاع از آن زمانه و عمل بوقیضت نیز شده است  
 بسم الله الذی بر التیسع و التیسر و الوف علی الضمانه استر ایز و الحسن و السلام  
 علی سیده الاسباه و المیز محمد و الی الطیر ان برین البصیرین عن عباد و الضمانه  
 و الحسن نظر از شفم و در کسب این سطر عجمه و مضمون در این کلمات  
 مرضیه که نوبت و افزوده تا بنویسد است نطفه و جناب فی سبب نیش مراد  
 خیر مال عیاش سلامت و صحت عمده الایمان و الا ان الله اعلم بحسب خط آنه ای  
 ابن خلدون و من صاحب سطر بثلثه بر بنایه و مشرب الکیسایه برادر و در حرم خود و در صف  
 پیوسته حب الوصیه از نشت یک ارحم فی صدره لصدور کت نرفه در لصدور در

سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه
سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه	سکه

وکیل کردم که بعد از رفتن من به دقت تمام به این املاک رسیده و منافعش را گرفته به استحضار قبله گاهی مجتهد الزمان آخوند ملاعلی - سلّمه الله تعالی - روانه کربلای معلی نمایند و به کربلایی جبار آنچه سپرده ام از منافع املاک در جایش خرج بکند و السلام علی من اتبع الهدی کتبه به ید الفانیه اقل الطلاب نورالدین نقل استفاضه که در خصوص وقف نوشتم من باب الاحتیاط بود و الا چون که ایشان عمل به وقف کرده بودند لهذا محمول بر صحت است.

## وقفنامه شماره ۸

[سواد وقفنامهچه کتب موقوفه حاج رضا قلی بر قابلین انتفاع]

سواد وقفنامهچه کتب موقوفه خیرالحاج الحاج عبدالحسین و صایه از حاج رضاقلی که از ثلث وی ابتیاع نموده بر قابلین انتفاع از آنها و عمل بوقفیت نیز شده سنه ۱۲۰۹.

۱۶۴

## وقفنامه

بسم الله الذی هو السّميع البصیر و الواقف علی الضّمائر و السّرائر و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین محمّد و آله الطیبین الطّاهرین المعصومین عن الكبائر و الصغائر بعد الحمد و الصلوة منظور از انتظام و آرایش این مسطور شرعی و مقصود از ارتسام و نگارش این کلمات مرضیه آنکه توفیقات و افره ربّانی و تأییدات متظافره جناب اقدس سبحانی شامل حال خیرمآل عالیشان سعادت و صلاحیت عمده الامائل و الاقران آقا عبدالحسین حفظ الله تعالی ابن رضوان معان حاجی میرزا طاب ثراه زنجانی که وصی ثابت الوصایه برادر مبرور و مرحوم خود حاجی رضا قلی می شود. علی حسب الوصیه از ثلث مال مرحوم مرقوم. صورت تفصیل کتب موقوفه از قرار تفصیل ذیل:

شرح قاموس دو جلد - منهاج العارفین [یک] جلد - حق الیقین ۳ جلد - شرح لمعه سه جلد - فصول سه جلد - حاشیه شیخ محمد تقی سه جلد - رجال ابوعلی [یک] جلد - معالم الاصول دو جلد - جواهر الکلام شش جلد - احقاق الحق

دو جلد - قوانین چاپ تبریز سه جلد - مطول سه جلد - ضوابط دو جلد - مستند  
 الشیعه دو نسخه چهار جلد - صحاح اللغة دو جلد - شرح تحریر قوشچی دو جلد  
 - شوارق دو جلد - ذکری دو جلد - شرح صحیفه دو جلد - جامع الشواهد سه  
 جلد - مناهج الاصول دو جلد، تفسیر بیضاوی دو جلد - جامع المقاصد دو نسخه  
 چهار جلد - شرح ارشاد اردبیلی دو جلد - مسالک دو جلد، سماء العالم [یک]  
 جلد - مقتل بحار [یک] جلد - دیوان امیر دو جلد - ترجمه نهج البلاغه دو جلد -  
 فقه صافی [یک] جلد - کشف اللسام دو نسخه چهار جلد - انوار النعمانیه [یک]  
 جلد - وسائل تمام سه جلد - مبسوط دو جلد - سرائر دو جلد - شرح کبیر سه  
 جلد - شرح سید علیخان کبیر [یک] جلد - احتجاج شیخ طبرسی [یک] جلد - عیون  
 اخبار الرضا دو جلد - مدارک [یک] جلد - تذکره علامه دو جلد - شرایع چهار  
 جلد - قواعد شهید اول رحمه الله [یک] جلد - عواید حاجی ملا احمد دو جلد -  
 لؤلؤ البحرین [یک] جلد - فقه الرضا دو جلد - معتبر دو جلد - غرر و درر دو جلد -  
 تصریح دو جلد - مغنی البیت دو جلد - شرح رضی دو جلد - منظومه بحر العلوم  
 دو جلد - نهاییه ابن اسیر دو جلد - معراج السعادة [یک] جلد - حیاة القلوب جلد  
 اول [یک] جلد - ابواب الجنان [یک] جلد - جامع المقدمات [یک] جلد - حمله ملا  
 بمانعلی [یک] جلد - حیاة القلوب جلد دوم [یک] جلد - عُدّة الداعی سیوطی چهار  
 جلد - مجمع البحرین چهار جلد - تفسیر صافی [یک] جلد.

کتب مفصله مسطوره در فوق را گرفته بر کافه مؤمنین و مسلمین از ذکور و  
 اناث و کبیر و صغیر از علماء و طلاب و غیره کسانی که قابلیت انتفاع از مطالعه و  
 ملاحظه آنها داشته باشند. وقف موبد نموده و تولیت آنها را به جناب علامه العلماء  
 والمجتهدین افضل الفضلاء والمحققین قبله الانام و حجة الاسلام و المسلمین سرکار  
 شریعت مدار آخوند ملا علی مجتهد سلمه الله تعالی ان شاء الله مفوض نمود بعد  
 از وفات ایشان اطال عمره ان شاء الله تعالی با ولد اکبر ایشان از ذکر و هکذا تناسلو  
 و تعاقبو و علی تقدیر الانقراض خدای نخواستہ با اعلم مجتهدین ایران و نجف

اشرف و کربلای معلی الی ان یرث الله الارض و در ضمن العقد شرط این که از بلده زنجان بیرون نبرند مگر به اذن متولی بهر جا که صلاح داند و احدی در زنجان و جای دیگر زیاده از شش ماه نگاه ندارند مگر به اذن جدید از سرکار متولی و ثواب بی حساب آنرا به روح پرفتوح موصی مزبور واگذار نمود و صیغه وقف بقرار مسطور جریان یافت و بعد از قبض و اقباض عمل به مقتضای وقف گردید و کان تحریر ذالک فی شهر جمادی الاولی من شهر المعظم سنه ۱۲۸۰.

## وقفنامه شماره ۹

[سواد وقفنامهچه قریه اردلان]

سواد وقفنامهچه نیم دانگ از قریه اردلان بر تعزیه سید مظلومان که در قریه مزبوره نوشته شده بود و معمول به است تا حال که سنه ۱۲۰۹.

بسم الله الرحمن الرحيم

باعث بر تحریر و تسطیر و ترقیم این کلمات واضحه الدلالات لوامع الینات آنست که حاضر محکمه شرع مطاع لازم الایتماع گردید عالی حضرت ستوده خصلت حاجی محمد بیک خلف صدق مرحوم مغفور المبرور عبدالرحمن بیک شاهسون من طایفه دوقوز و بعد الحضور و وضوح المعرفة با حواله در حینی که اقرار شرعیه از وی مسبوع و مقبول بود بدون لاکراه و الاجبار بل بالطوع و الرغبه وقف صحیح شرعی ملی دینی اسلامی نمود بذر نیمدانگ ملک آبی و دیمی از اراضی و صحاری مع کلما یتعلق بها از جمله منضمت و مدخلات و غیره باسم سامی مبارک روحی و روح العالمین فداه جناب سیدالشهداء ابا عبدالله علیه السلام که سال به سال هر چه مداخل و منافع ملک موروثی مشارالیه که در قریه اردلان واقع است در تعزیه و روضه خوانی جناب سیدالشهداء خرج نموده باشد و تولیت ملک موقوف را واگذار نمود به جناب قدوة المحققین فخرالعلماء اعظم العظماء اعلم العلماء جناب سرکار آخوند ملاعلی ساکن بلده زنجان مشهور به ملاعلی قارپوز آبادی ظلله العالی ادام الله



تعالی طلاله علی روس الخلیق در حین حیات و بعد از وفات واقف را که سرکار معظم الیه که مرقوم متصدی اخراجات و ضبط ملک موقوفی شده در هر وجهی که خود سرکار ولی مزبور صلاح دانسته باشد خرج نموده باشد این چند کلمه بر سبیل وقف نامچه قلمی گردید حرر ذالک فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۴.

## وقفنامه شماره ۱۰

[سواد وقفنامهچه قریه اردلان]

سواد وقفنامهچه نیم دانگ از قریه اردلان بر تعزیه سید مظلومان که به تقریر حجة الاسلام اعلی الله مقامه به نحوی که صیغه وقف جریان یافته در شهر زنجان نوشته شده و عمل شده.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة منظور از نگارش این کلمات شرعیه آنکه عالیشان صلاحیت نشان حاجی محمد بیک ابن مرحمت انتساب عبدالرحمن بیک شاهسون از طایفه دوقوز در حالت صحّت بدن و کمال عقل و مشاعر بالطّوع و الرغبه و الاختیار من دون شائبه لا اکراه و الاجبار عالماً و عامداً وقف موبد شرعی نمود همگی و تمامی مساحت نیمدانگ ملک از جمله ششدانگ قریه اردلان با کافه توابع و لواحق من اراضی المائیه و الدیمیّه و التلال و الجبال و العیون و الانهار و یونجهزار و علفزار و باغات و دهکده و بیوتات و محل الاکه است و الحمام و الطوّاحین و المزارع و المراتع با جمیع منضمات شرعیه و عرفیه بحیث لا یستثنی منها شیء سواء سمی هاهنا ام لم یسم ذوکر اولم یذکر که منابع نیمدانگ ملک از قریه مسطوره هر سال در تعزیه سید مظلومان مولانا و مولی العالمین ابی عبدالله الحسین علیه و علی آبائه و اولاده آلاف التحیه و الثناء و السلام خرج شود و تولیت آنرا به سرکار شریعت مدار عمده العلماء و المجتهدین و زبده الفقهاء و المحققین قبله الانام و حجة الاسلام آخوند ملاعلی مجتهد سلّمه الله تعالی واگذار نمود و بعد از انقطاع فیض حیات

مرفوم مقتدی اجماعت و ضبط مکتب مؤلفی شده در مردی که در کتب سربا به نام از بدو مسلح  
دانسته باشد شرح نموده است این چند کلمه بر پسر و فق با هم مکرر کند هر روز مکتب  
فی شهر محرم الحرام ۱۲۷۲

سواد و قضا چنانچه خدا ناک از قرینه از دلان بر تفریح سید مظلومان که تفریح حرمی است  
جنوبی که شیشه و فق بسم الله الرحمن الرحیم هر یک از اینها قدر در شش ماه بخواند  
بعد از صلوات بر محمد و آل محمد و بعد از آن که در شش روزه آنجا که  
صلوات بر محمد و آل محمد است از شب تا صبح از صبح تا شب از ظهر تا غروب  
در روز در حالت صحت برین دو کلام عقده و شش بار با طبع و از غیب هر چه در آن است  
لاکراه و اجتناب را دعا بدو وقت مکرر بخواند و هر وقت که در آن مکتب  
از خود است آنکس که در دلان با کافران و کفار و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر  
و ایرون و انکار و بگویند و علف زار و باغات فواید و دستورات محمد لاکراه  
و احکام و الطریقین و از ادع و التران با جمع نضامات شرعی و عقوبت بجهت لایستنی  
شش سواد بر پسران ام لم یستم هو کراو لم یکره منافع عبادت مکتب از قرینه مسوره  
بر مکتب شریف سینه مطلقان سواد و مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام و اولاده  
آلاف التجده استثناء و السلام خرج خود و دولت ان کسب کما شریف بر علیه عده العلماء  
و تجتهد و زبده لغتها و محققین قبله الامام و جده کلا سلام اخذ علی عهده سکه نه عالی  
و اگر در مکتب و بعد از اقطع فیض حیات لای محمد کلا سلام طول آن عسره است و اوله  
زبیت ان مرجع بوله اگر زیاد لاد ز کورنا بکسل و بعضی بطن برین از اقطع نشد بر ز شیخ  
است عانه با علم علمای ایران الا ان است الله الاض و توضیحی مکتب از میت مبارک از آنجا که  
در صرف و خرج نافع عبادت مرفوم مختار است هر کوزه در راه بر و در اول وقت خروج فریاد  
نیم روز عینه و فق علی حسب الخور صد در بیست کفان مکرر و در مکتب شهر محرم

محمد امین ۱۲۷۲

سواد و قضا چنانچه خدا ناک عمارت واقعه در قرینه از دلان از حاجی محمد بن  
بر تفریح سید مظلومان که همون است تا این ان کلا استخرج اولو کتب و سلمه

وصف میراث جاویدان  
شماره ۸۷ پاییز ۱۳۹۳  
۱۶۹

دندان

آقای حجة الاسلام طول الله عمره ان شاء الله تعالى تولیت آن مرجوع به ولد اکبر از اولاد ذکور نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و پس از انقطاع نسل هرگز نشود ان شاء الله با اعلم علمای ایران الی ان یرث الله الارض و توضیحاً سرکار شریعت مدار که متولی شرعی می باشد. در صرف و خرج منافع نیمدانگ مرقوم مختار است بپهر نحوی که در راه تعزیه داری صلاح دانسته خرج فرمایند اختیار دارند و صیغه وقف علی حسب التحریر صدور یافت و کان تحریر ذالک فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۴.

## وقفنامه شماره ۱۱

[سواد وقفنامهچه عمارت در قریه اردلان]

سواد وقفنامهچه شش دانگ عمارت واقعه در قریه اردلان از حاجی محمد بیک بر تعزیه سید مظلومان که معمول است تا این که ۱۱ شهر ربیع المولود من سنه ۱۲۰۹. و ایضاً واقف مزبور در متن حاجی محمد بیک به رضا و رغبت خود موازی شش دانگ یکباب عمارت واقعه در قریه اردلان به حدود اربعه مسطوره وقف موبد شرعی نمود که هر سال منافع عمارت محدوده در تعزیه سید مظلومان ابی عبدالله الحسین روحنا و روح العالمین له الفداء خرج شود و تولیت آن را هم به سرکار شریعت مدار حجة الاسلام آقای مرقوم در متن سلمه الله تعالی مادام الحیوة و بعد ولد اکبر از اولاد ذکور نسلاً بعد نسل و بعد از انقطاع نسل العیاذ بالله با اعلم علمای دینیة مفوض نمود و صیغه وقف صدور یافت فمن بدله بعد ما سمعه فائما ائمه علی الذین یبدلونہ تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۰.

## وقفنامه شماره ۱۲

[سواد وقفنامهچه قریه اردلان]

سواد وقفنامهچه دو قطعه آبی و دیمی و یک قطعه یونجهزار از قریه اردلان که



محمد حسین سلطان وقف نموده و چهار شعیری که محمد امین بیک از قریه مزبوره وقف نموده و جمیع وراثت او بعد اقرارهم بما زبر احتیاطا خود نیز وقف نمودند و موازی چهار شعیر از زمینی که کربلایی بیگلر از قریه مزبوره وقف نموده همگی بر تعزیه سید مظلومان و حجة الاسلام بر حکم وقف و عمل به او فرموده‌اند. سنه ۱۲۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة چون در تاریخ عشر ثالث شهر ربیع الثانی من شهور سنه هزار و دویست و هشتاد این داعیان اقل الطلبة وارد محل خداینده‌لو و خروید شدم در این مابین عالیشان کربلایی بیگلر و هدایت الله بیک و علیاشانان عالم خان و خانم جهان خانم و بلقیس خانم وراثت عالیشان محمد حسین سلطان مرحوم ساکن قریه اردلان وارد و مذکور نمودند که پدر ما محمد حسین سلطان مرحوم مساحت دو قطعه زمین زراعت یک قطعه آبی و یک قطعه دیمی به مساحت حدود و قطعات مزبوره:

حدود زمین آبی:

شرقا: ملک قریه دشتک مشهور بتوفیر تپه است. غربا: سیلاب که به جنوب می‌رود. جنوبا: نهر زراعت. شمالا: جاده بزرگ.

حدود زمین دیمی:

شرقا: ملک آقا میر بیک. غربا: از عمارت حاجی محمد بیک خط مستقیم تا به کوه رود. جنوبا: جاده بزرگ. شمالا: کوه بزرگ.

و یک قطعه یونجه‌زار همه محدود است بحدود اربعه مشخصه فیما بین الملائک و وقف نموده بود که مداخل:

شرقا: یونجه‌زار حاجی محمد بیک و رضا بیک. غربا: یونجه‌زار کربلایی نعمت الله و علی رضا بیک. جنوبا: به چمن بزرگ. شمالا: باغچه حاجی محمد بیک.

و محصول قطعات مزبوره در تعزیه ابی عبدالله علیه الصلوة و السلام خرج و



مصرف شود و در حال حیوة خود منافع آنها را خرج می نمود و ایضاً برادر ما عالیشان محمد امین بیک مرحوم مساحت چهار شعیر الّاربع شعیر ملک حصه خود را از ارث پدری از قریه اردلان با جمیع متعلقات و منضّمات وقف ابی عبدالله علیه السلام نموده بود چون الحال محمد امین بیک هم وفات نموده کرده ملک مزبور بر فرض عدم صحّت وقف فی الواقع قطعات مسطور و ملک مسطوره به ماها منتقل خواهد شد.

فلهذا مراعات الاحتیاط و تاکید الانضباط از قبل ماها بر قطعات مسطوره مشخصه و بر ملک مزبور صیغه وقف را جاری نمائید و تولیت آنها با جناب علامه العلما و زبده الفقها و قبله الانام و حجة الاسلام آلاخوند الّاعلی سلّمه الله باشد که سال به سال منافع و محصول آنها را در تعزیه ابی عبدالله علیه السلام خرج و مصرف نمایند بهر طوریکه مصلحت بدانند و بعد از آن حجة الاسلام با اولاد و ارشد ایشان باشد نسلاً بعد نسل بوده و بعد انقطاعهم العیاذ بالله با اعلم علماء زنجان باشد بعد صدور توکیل عنهم ایانا صیغه وقف را بر قطعات مرقومه و بر ملک مزبور بر حسب التقدير و التحریر فی الفوق عربیه و عجمیه جاری نمودیم فعلى هذا قطعات مزبوره و ملک مزبوره وقف و تولیت او با جناب حجة الاسلام مرقوم معظم الیه و با اولاد ایشان است کما حرّر فی الفوق و کان ذالک تحریراً و قوعاً فی بیست و ششم شهر ربیع الثانی من شهور سنه ۱۲۸۰ و ایضاً وقف نمود کربلایی بیگلر مساحت چهار شعیر ملک الرّبع شعیر از قریه ارث پدری خود را با جمیع متعلقات بابی عبدالله علیه السلام که در تعزیه آن بزرگوار خرج شود. و تولیت او را به جناب قبله الانام و حجة الاسلام آلاخوند ملاعلی سلّمه الله و بعد از او با ولد ارشد او نسلاً بعد نسل و بعد انقطاعهم العیاذ بالله باعلم علماء بلده زنجان تفویض نمود و صیغه وقف جاری شد فی تاریخ المزبور فی المتن هذا النسخ العزّه المزبوره کلها مطابقاً لاصولها من البداية الی النهایة.

[حواشی / سجالات]

(مهر: و بعد علی ابن علی) - (مهر: عبده مرتضی الحسینی) - (مهر: عبده هدایت الله) - (مهر: محمد علی)

تولیت مجموع املاک مزبوره در ده طغری وقفنامهچه مصوره با حجة الاسلام اعلى مقامه بوده و بعده با اکبر اولاد ایشان نسلا بعد نسل حرّره فى الشهر ربیع المولود سنه ۱۲۰۹.

وقفنامه باغ ملا یوسف - وقفنامه اطاق آقا عباسعلی مرحوم - وقفنامه یک دانگ قیاسیه - وقفنامه پنج باب دکان عبدالخالق - وقفنامه ستاره خانم از کاروانسرای مشهدی براتعلی - وقفنامه حاجی تقی به خط آخوند ملا نورالدین - وقفنامه کتب موقوفه از حاجی عبدالحسین - وقفنامه نیم دانگ قریه اردلان از حاجی محمد بیگ دو نسخه - وقفنامه کربلایی بیگلر.



**پی‌نوشت‌ها:**

۱. پژوهشگر اسناد.
۲. قریه‌ای است از قراء سهرورد از محال زنجان قدیم النسق ملکی میرزا علی مستوفی پیشکار خمسه، محصول این قریه غله و دیمی است. یک چشمه ضعیفی دارد جزیی یونجه کاری می‌شود. اراضی آن کم است و به واسطه کمی مرتع، احشام و اغنام نگاه می‌دارند. (مرأة البلدان، ص ۲۱۸۲)
۳. گنجینه شهر زندیگان، ص ۲۰
۴. وقفنامه‌های شماره ۲ الی ۱۲ شامل ۱۱ وقفنامه تولیت موقوفات به عهده آخوند ملاعلی و اولاد ذکور وی که در متن بدان تأکید شده است.
۵. مرأة البلدان، ص ۲۰۱۲

**منابع:**

۱. مرأة البلدان، محمد حسن اعتماد السلطنه، ج ۴، به کوشش: دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، چاپ دانشگاه تهران (۱۳۶۸)
۲. گنجینه شهر زندیگان، فروغ یارمحمدی، نشر نیکان کتاب (۱۳۹۱)